

اهل بیت علیهم السلام طلایه داران خوش خوانی قرآن کریم

ملیکا کردلوئی *

محمد حسن رستمی **

مرتضی ابروانی نجفی ***

چکیده

در اندیشه‌ی برخی عالمان و فقیهان پیشین تشیع، هرگونه استفاده از هنرهای صوتی و آوایی مردود و حتی مشمول غناگردیده و حکم به حرمت آن داده شده‌اند. در مقابل این اندیشه، دیگران با تکیه بر مبانی معتبر نزد خود، نه تنها خوش خوانی قرآن را با استفاده از هنرهای صوتی مردود ندانسته، بلکه بر استفاده‌ی صحیح از آن جهت تاثیر دوچندان بر مخاطب تأکید کرده و البته چارچوب مطلوب آن را نیز روشن ساخته‌اند. این پژوهش با نگاهی تاریخی و روایی، اصول تلاوت مطلوب را در نگاه اهل بیت علیهم السلام معرفی نموده و سپس این مطلب را روشن ساخته که ائمه اطهار علیهم السلام با تأکید بر جلوه‌ی خاصی از تغنی در قرآن و زدودن پیرایه‌های منفی آن، از این عنصر تأثیرگذار در جهت جذب مخاطب، استفاده نموده و خود طلایه داران این هنر جاودانه بوده و بدان مشهور بوده‌اند مانند تلاوت‌های تأثیرگذار رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر مشرکان، قرانات آسمانی امام سجاد علیه السلام تأثیر آن حتی بر آب رسانان رهگذر و نیز تلاوت‌های جان‌گداز امام کاظم علیه السلام شاهدهی بر بهره‌گیری ایشان از این عنصر تأثیرگذار و مقبول است.

واژگان کلیدی: تلاوت قرآن؛ اهل بیت علیهم السلام؛ خوش خوانی.

m.kordlouie@gmail.com

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس دانشگاه فردوسی مشهد

rostami@um.ir

** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

iravany@um.ac.ir

*** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

از آن‌جا که ماندگاری هر مکتب و آموزه‌ای در گرو عرضه‌ی زیبا و هنرمندانه آن بر مخاطب است، دین اسلام نیز با بهره‌گیری صحیح از عنصر القای آهنگین کلام، در طول زمان-های متمادی، تأثیری بس شگرف بر مخاطبان خود گذاشته است. بهره‌گیری از هنرها و زیبایی‌های صوت، در تلاوت رسول خدا ﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام، صحابه و بررسی روایات وارد شده در کیفیت تلاوت بزرگان دین، گویای این مطلب است که لحن و هنرهای صوتی و آوای خوش به عنوان ابزاری تأثیرگذار در خدمت انتقال پیام کلام الهی مورد استفاده معصومین علیهم‌السلام و افراد برجسته‌ای که در میان صحابه و تابعین قرار داشته‌اند، بوده است. بدیهی است که تلاوت معمولی با صدایی آهسته، هیچ‌گاه جذابیت چندانی را برای مخاطب ایجاد نخواهد کرد. در آمیختگی هنرهای صوتی با مفاهیم بلند الهی، حلاوتی خاص به شنونده، بخشیده است. مرحوم معرفت، در این باره می‌گوید: "صوت، به خودی خود، حسن و زیبا نیست، مگر این که در آن ترجیح، صورت گیرد و در این حالت است که زیبا شده و مفهوم تغنی قرآنی شکل می‌گیرد." (معرفت: ۱۴۳۵، ۲۸۱/۲)

علاوه بر قرائن تاریخی، احادیث بسیاری را در کتب فریقین، می‌توان مشاهده نمود که به نحوی بر استفاده از صدای زیبا و بهره‌گیری از هنرهای آوایی در چارچوبی صحیح، تأکید دارند. در این پژوهش در دو بخش کلی ابتدا به بیان قرائن تاریخی-روایی بهره‌گیری اهل بیت علیهم‌السلام از هنرهای آوایی اشاره و در گام بعد به نقد و تحلیل منتقدان تغنی و امور پیرامون آن می‌پردازیم.



۱. بهره‌گیری از هنرهای آوایی توسط اهل بیت علیهم‌السلام

نمونه‌های برجسته‌ای از پرداختن به این هنر تأثیرگذار؛ از سوی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام به شرح زیر است:

۱-۱ خوش خوانی؛ هنری تبلیغی در عهد رسول اکرم ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ؛ در جهت انتقال بهتر و مؤثرتر کلام الهی، با شناختی کامل از ماهیت قرآن، اهداف نزول، وضعیت مخاطبان و شرایط موجود، از تمامی ظرفیت‌های روانی-تعلیمی، استفاده نمودند تا ضمن تشویق مخاطبان به پرداختن، به کلام الهی و قرائت بیش از پیش قرآن، زمینه‌ی انس و عمل و رسیدن به هدف غایی نزول، برای ایشان فراهم گردد.

شخصی به نام ضماد، از اهالی یمن، وارد مکه شد. پس از شنیدن اوصافی همچون شاعر، مجنون، ساحر و کاهن، درباره‌ی پیامبر ﷺ، به قصد معالجه نزد ایشان آمد. پیامبر ﷺ در گفت‌وگویی با

وی پس از حمد و ستایش الهی، آیاتی از قرآن را بروی تلاوت نمودند. ضماد، با شنیدن آیات شگفت انگیز الهی، اسلام آورد. (نیشابوری خرگوشی: ۳، ۱۴۲۴/۴۷۴)

شیوایی کلام الهی، به اندازه‌ای بود که حتی سران قریش، هم چون ابوجهل، ابوسفیان و اخنس بن شریق راشبانه به سوی خانه پیامبر ﷺ می‌کشاند تا به تلاوت ایشان، گوش دهند. (ابن اسحاق: ۱۳۹۸، ۱۸۹/۱) وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ، را می‌توان به عنوان برجسته‌ترین چهره‌ی این وادی ذکر کرد. نقل شده است که شخصی به نام براء پس از شنیدن تلاوت سوره تین از پیامبر اکرم ﷺ چنین می‌گوید: «فما سمعت احدا احسن صوتا او قرائة منه؛ صدای احدی را زیباتر از صدا و قرائت پیامبر ﷺ نشنیدم». (بخاری: ۱۴۲۲، ۱۵۸/۹) در میان صحابه و تابعین، افراد بسیاری بوده‌اند که با عباراتی همچون "احسن الناس صوتا بالقران" از آنها نام، برده شده است. برخی از این افراد عبارتند از: سالم مولی ابی حذیفه، (محیسن: ۱۴۲۲، ۲۵۷/۱) اسیدبن-الحضیر، (قرطبی: ۱۴۱۲، ۹۳/۱؛ ذهبی: ۱۴۱۳، ۲۰۷/۳) عقبه بن عامر (ابن عساکر: ۱۴۱۵، ۴/۴۹۹)، ابو موسی اشعری که پیامبر ﷺ درباره وی فرمودند: "لقد اوتی ابو موسی مزار من مزامیر آل داوود؛ به ابو موسی صدای نیکویی از اصوات داوودی داده شده است." (قرطبی، همان، ۳/۹۸۱)، علقمة بن قیس (ذهبی: ۱/۱۴۱۷، ۲۷) و ابن جزری (ابن جزری: ۱۳۵۱، ۵۱۶/۱). استاد لبیب سعید، فهرست مبسوطی از طبقه صحابه، تابعین و تابع تابعین در رابطه با کسانی که معروف به صدای خوش در تلاوت قرآن و به‌کارگیری الحان بوده‌اند، ارائه نموده است. (لبیب سعید: ۱۹۷۰، ۳۳-۲۹)

بررسی‌های تاریخی - روایی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر تکرار چندین باره آیات بر فراگیران در مقام آموزش، از جلوه‌های آوایی و هنری نیز در انتقال کلام الهی به مخاطبان به‌ویژه در مقام تبلیغ، استفاده نموده است. بهره‌گیری از همین هنر تأثیرگذار، باعث جذب گروه‌های بسیاری به اسلام شده است. در احادیث زیادی که در کتب فریقین، وارد شده است نیز به نحوی بر استفاده از صدای زیبا و بهره‌گیری از هنرهای آوایی در چارچوبی صحیح، تاکید دارند:

" لكل شیء حلیة و حلیة القران الصوت الحسن "؛ برای هر چیز زیوری است و زیور قرآن؛ صوت نیکوست. (کلینی: ۱۳۶۹، ۲/۶۱۵)

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: " قرآن را با صداهای خود نیکو کنید، زیرا صوت نیکو بر زیبایی قرآن می‌افزاید." (دارمی: ۱۴۱۲، ۴/۲۱۹۴؛ نیشابوری: ۱۴۱۱، ۱/۷۶۸)

امام صادق ﷺ فرمودند: " خداوند، هیچ پیامبری را نفرستاده مگر اینکه دارای صدای نیکو بوده است." (کلینی، همان، ۲/۶۱۶)

البته قرائت پیامبر ﷺ، دارای اصول و ویژگی‌هایی بوده که متناسب با این کتاب مقدس طرح ریزی شده است؛ از جمله:

الف. ترتیل:

در نگاه قرآن کریم، آن آوایی پسندیده و مطلوب است که در قالب ترتیل ارائه گردد. " وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا" (مزمّل / ۴) طبق ویژگی‌هایی که از ترتیل بیان شده، ترتیل عبارت است از: عدم سرعت زیاد، زیبا خوانی، تلفظ صحیح حروف و حرکات و رعایت وقوف ..

پیامبر خدا ﷺ، به ابن عباس فرمود: "وقتی قرآن می‌خوانی به ترتیل بخوان. پرسید: ترتیل چیست؟ فرمود آشکار و روشن بیان کن و مثل حرف‌های خشک و غیر قابل استفاده پراکنده‌اش نکن و مثل شعر تند بخوان..."

در حدیث دیگری امام صادق (ع)، ترتیل را زیبا، آرام و با مکث خواندن، تفسیر نموده‌اند. (طبرسی: ۱۳۷۷، ۴/۳۸۳۳)

امیرالمؤمنین (ع)، ترتیل را بیان صحیح حروف و رعایت موارد صحیح وقف عنوان نموده‌اند. (مجلسی: ۱۴۰۳، ۸۱/۱۸۸)

ب. ترجیع:

ترجیع از ماده‌ی "رجع" و در اصل به معنای بازگشت و تکرار است (ابن فارس: ۱۴۰۴، ۲/۴۹۰). وقتی با صوت به‌کار می‌رود به معنای نزدیک نمودن ضرب و تکیه‌گاه‌های حرکات در صوت است (فراهیدی: ۱/۱۴۱۹، ۲۲۵). یا عبارتست از، تکرار و بازگرداندن قطعه‌ای از صوت. (راغب اصفهانی: ۳۴۳، ۱۴۱۲) طریحی با تفصیل بیشتری منظور از ترجیع در صوت را، گرداندن و تکرار صدا در حلق می‌داند. (طریحی: ۱۳۷۵، ۴/۳۳۲)، وی هم‌چنین معنای دیگری را برای این واژه ارائه می‌دهد که عبارت است از زیبا ساختن صوت. (همان)

برخی از دلایل استفاده از ترجیع پسندیده در تلاوت عبارتند از:

بخاری از عبدالله ابن مغفل، نقل می‌کند که وی می‌گوید: "رسول خدا (را در روز فتح مکه سوار بر شتر دیدم که سوره فتح را قرائت می‌نمود در حالی که ترجیع می‌کرد" (بخاری: ۱۴۲۲، ۵/۱۴۷)؛ بیهقی: ۱۴۱۰، ۱/۳۷۸). مصطفی البغا، در شرح این حدیث، ترجیع را گرداندن صدا در حلق تعبیر نموده است. (بخاری، همان، ۵/۱۴۷)

ام هانی می‌گوید: "من شبانگاه قرائت پیامبر ﷺ را، می‌شنیدم در حالی که در قرآن ترجیع می‌نمود" (مروزی: ۱۴۰۸، ۱/۱۳۵).

امام باقر علیه السلام در توصیه ای به ابی بصیر، می فرماید: "که قرائت را به خانواده ات بشنوان و در صوت هنگام تلاوت قرآن ترجیح به کارگیر. (کلینی، همان، ۶۱۶/۲) به کار بردن ترجیح به عنوان ویژگی صوت توسط امام علیه السلام، این شبهه را که ترجیح به معنای تکرار آیات است، برطرف می نماید. ج: استفاده از الحان عرب

در حدیثی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله، چنین می فرماید: " اَقْرُؤُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحَنِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا، وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ أَهْلِ الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَائِرِ، فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَ النَّوْحِ وَ الرَّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ، قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ، وَ قُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ" قرآن را به آهنگ ها و اصوات عرب بخوانید، و از آهنگ های اهل فسق و اهل گناهان کبیره بپرهیزید، که پس از من اقوامی خواهند آمد که قرآن را به آهنگ غنا و نوحه و رهبانیت می خوانند، و این خواندن از گلوگاه آنان در نمی گذرد؛ قلوب آنان و قلوب کسانی که ایشان را می پسندند، واژگون است. (همان، ۶۴/۲)

۱-۲- علی علیه السلام، اولین شاگرد مکتب رسول الله صلی الله علیه و آله در فنون قرآنی

جایگاه یگانه امیرالمؤمنین علیه السلام در امر قرائت و اقرار در سایه ای ارتباط مستمر با رسول خدا صلی الله علیه و آله و نوشیدن علوم نبوی از سرچشمه ای آن با هیچ یک از صحابه دیگر قابل مقایسه نبودند. خود حضرت در این باره می فرماید: "آیه ای بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل نشد مگر این که ابتدا آن را بر من اقرار می فرمود، سپس آن را بر من املاء می کرد و من با خط خود آن را می نوشتم. (همان) یا این که می فرمود: "هر آیه ای که نازل می شد رسول خدا شیوه قرائت آن را به من می آموخت، آن گاه املا می کرد و من می نوشتم. (ابن بابویه: ۱۴۱۴، ۱۲۱)

سخن کسانی چون ابن مسعود و ابو عبد الرحمن سلمی، نیز در این رابطه شنیدنی است. ابن مسعود که در روایاتی از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله توصیه به شنیدن تلاوت وی شده است، می گوید: "هیچ کس را قاری تر از علی بن ابی طالب ندیدم" (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۱۴). سلمی نیز می گوید: "ما رایت ابن انثی اقرا لکتاب الله من علی ع" (ابن جزری، همان، ۵۴۶ / ۱) و دریبانی دیگر می گوید: "ما رایت اقرا من علی، عرض القرآن علی النبی ص و هو من الذین حفظوه اجمع بلا شک عندنا" (همان)

۳-۱: جلوه هایی از زیباخوانی قرآن توسط امام سجاد علیه السلام در دوره اختناق

بررسی شرایط اجتماعی - سیاسی هر یک از ائمه، نشان گر آن است که هریک از این بزرگواران، با درک صحیح از شرایط جامعه ی خویش، بهترین عنصر تبلیغی و مبارزاتی را برگزیده و در نیل

به اهداف مقدس خویش از آن بهره برده اند. شرایط سخت سیاسی و اوضاع نابسامان فرهنگی دوران زندگانی امام سجاد علیه السلام، این امام همام را بر آن داشت تا شیوه ای منحصر به فرد، در اشاعه‌ی فرهنگ ناب اهل بیت علیهم السلام برگزیده و ضمن مبارزه با حاکمان وقت، نقش مهمی را نیز در مقابله با جریان‌های مبتذل فرهنگی رو به رشد ایفا کند.

یکی از مسایل فرهنگی قابل توجه در دوران سید الساجدین علیه السلام، گسترش خوانندگی و خنیگری و بهره‌گیری از آلات مبتذل موسیقایی بود؛ که کلیه‌ی طبقات اجتماعی، حتی عابدان و زهاد را به سوی خود کشانده بود. امام علیه السلام، نیز در جبهه‌ی مقابل با بهره‌گیری از صوت ملکوتی خویش و همراه ساختن آن با آیات دل انگیز قرآن و مناجات‌های عارفانه، به صورت قابل توجهی، نظر مردمان جامعه‌ی خویش را به سوی خود، معطوف ساختند و روان ایشان را با موسیقی الهی سیراب نمودند.

گزارش‌های تاریخی، حاکی از آن است که مدینه از سال‌های (۶۵ هجری)، به بعد گرفتار تباهی اخلاق و فساد عمومی گشت. فسادى که مقدمات آن از سال‌ها پیش شروع شده بود. بالا رفتن رقم ثروت و خرید ملک و مستغلات برای اشراف قریش آنان را به زندگی پرتجمل کشانید به گونه‌ای که کنیزان و غلامان بسیار خریدند. به خصوص کنیزکانی که با موسیقی و خوانندگی آشنایی داشتند و روز به روز بر ارزش آنها افزوده می‌شد و هنرهای مبتذل موسیقایی رواجی روز افزون می‌یافت. (شهیدی: ۱۳۷۴، ۱۰۳)

ابوالفرج اصفهانی، شرح حال جمیله (یکی از خنیگران آن عصر) را به تصویر کشیده است؛ که آن چنان مقامی در میان مردم مدینه، یافته بود که در هنگام ترک شهر تعداد زیادی به بدرقه او رفته بودند. (اصفهانی: ۲۰۹/۱۹۹۲، ۸؛ کحاله: ۱۳۷۹، ۱/۲۱۲)

پنداری دو شهر بزرگ مکه و مدینه را برای خنیگران پرداخته بودند. تا آن جا که برخی از فقیهان و زاهدان نیز به سراغ آنان می‌رفتند. (شوقی ضیف: بی تا، ۲/۲۳۷)

این شرایط اجتماعی به نوبه‌ی خود نشان‌گر عمق ذکاوت امام سجاد علیه السلام، در به‌کارگیری ابزاری مشابه و مقابله با این ابتذال فرهنگی است. امام علیه السلام، با بهره‌گیری از صوت ملکوتی خود و همراه ساختن خود با آیات بلند الهی و جلوه‌های زیبای موسیقی اسلامی آن چنان اثری بر مخاطب به جای می‌گذاشت که توجه همگان را به خود جلب می‌نمود. دو روایت زیر نشان‌گر این تاثیر معنوی صوت امام علیه السلام بر مخاطبین بوده است:

کلینی با اسناد خود از امام کاظم علیه السلام، چنین نقل می‌کند: "به درستی که حضرت علی بن الحسین علیه السلام

قرآن می‌خواند و چه بسیار گذرنده ای که از حضرت می‌گذشت و از خوشی آوازش مدهوش می‌گشت.... " (کلینی، همان، ۶۱۵/۲)

امام صادق علیه السلام، فرمودند: "حضرت علی بن الحسین علیهما السلام، از همه ی مردمان خوش آوازتر به قرآن بود و سقاها که از در خانه ی آن حضرت می‌گذشتند، می‌ایستادند و قرائتش را می‌شنیدند. ابو جعفر علیه السلام بهترین مردم از لحاظ صوت بود. (همان، ۶۱۶)

۲. جهت‌گیری فقها و بزرگان امامیه، دربارهٔ تغنی و خوش خوانی قرآن

از دیرباز تا کنون فقها و علمای اعصار گوناگون دربارهٔ تغنی و سایر مسائل زیر مجموعهٔ آن مانند: ترجیع، صوت و لحن در قرائت قرآن کریم با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. به طور کلی دربارهٔ حکم تغنی در قرآن، فقها را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱) افرادی هم چون فخرالمحققین، میرزای قمی، شیخ حر عاملی، علامه حلی و دیگران آهنگ قرائت را مشمول موضوع غنا، دانسته و حکم به تحریم آن داده‌اند. (سعدی: ۱۳۹۴، ۷۰)

۲) آنان که هرگونه غنا را تحریم، ولی آهنگ قرائت را از آن استثنا نموده‌اند، مانند: محقق سبزواری. (سبزواری: ۱۴۱۸، ۸۵)

۳) آنان که آهنگ قرائت را خارج از موضوع غنا دانسته و آن را جایز شمرده‌اند. از جملهٔ قائلان به این رأی می‌توان به صاحب جواهر و شیخ انصاری اشاره نمود. (سعدی، همان، ۷۱)

بررسی روایت وارده، دربارهٔ خوش خوانی قرآن کریم و دیدگاه فقیهان بزرگی هم چون صاحب جواهر و شیخ انصاری بیشتر موید نظریهٔ سوم است و عبارات وارده دربارهٔ مذمت این موضوع، بیشتر ناظر به زمانی است که با پیرایه‌های منفی و غیر قابل قبول، همراه باشد.

محقق سبزواری در جمع بین اخباری که دلالت بر حرمت غناء و یا جواز آن دارند، می‌گوید: این امر به دو صورت ممکن است:

۱) اخباری که دلالت بر حرمت دارند، مرادشان غنا در غیر قرآن است و روایاتی که بر ممنوعیت غنا در قرآن دلالت دارند، مرادشان غنایی است که به نحوی لهو باشد، مانند کار فساق. اما روایات دیگر که بر جواز تغنی به قرآن دلالت دارند، مرادشان غنایی است که به نحوی لهو، نباشد.

۲) روایاتی که غنا را حرام می‌دانند، حمل بر مواردی شود که در آن زمان شایع بوده و غنا لهو، و به همراه آن گناهانی مرتکب می‌شدند که موید آن، روایت علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام، است که می‌گوید: از امام علیه السلام، در مورد غنا سوال کردم که آیا در عید فطر و قربان و شادی جایز است؟

فرمودند: اگر با معصیتی صورت نگیرد، اشکالی نیست. هم چنین روایات دیگری که اشاره دارند که منشا حرمت، افعالی هستند که با غناء همراه می شوند. از طرفی روایات فراوانی دلالت بر جواز غنا در قرآن می باشد، حتی استحباب حسن صوت و تحزین و ترجیع به آن دارند. (سبزواری: ۱۴۱۸، ۸۵)

امام خمینی (ره)، در این باره می فرماید: "غنا حرام است و کاسبی کردن با آن حرام است. غنا زیبا کردن صدا نیست بلکه کشش و چهچه ی آن است به گونه ای که انسان را به طرب وادارد آن گونه که مناسب لهُو و طرب است. تفاوت نمی کند که غنا را در قرائت قرآن به کار ببرند یا در دعا و مرثیه خوانی و چه با آن شعر بخوانند یا نثر؛ بلکه اگر امور مقدس را به صورت غنا بخواند، عقابش دو برابر می گردد". (خمینی: ۱۳۷۹، ۱/۴۹۷)

آیه الله خویی نیز در کتاب مناہج الصالحین می گوید: "غنا حرام است اگر به گونه لهُوی باطل صورت بگیرد؛ یعنی آواز به شیوه لهُوی باشد. لهُوی بودن آواز را مردم تشخیص می دهند. شنیدن این گونه آواز حرام است و تفاوت نمی کند که با آن قرآن بخوانند یا دعا یا مرثیه و مانند آن". (خویی: ۲، ۷/۱۴۱۰)

۳. واکاوی روایتی مشهور در راستای شفافیت پیرایه های مذموم تغنی در قرآن

از روایات مشهور در رابطه با تغنی قرآن مجید روایت ذیل است:

«عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْأَحْمَرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا، وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ أَهْلِ الْفُسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَائِرِ؛ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُجْعَلُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنُّوحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرْجِيعُهُمْ، قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ، وَقُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ»

پیامبر «ص»: "قرآن را به آهنگ ها و اصوات عرب بخوانید، و از آهنگ های اهل فسق و گناهان کبیره پرهیزید، که پس از من اقوامی خواهند آمد که قرآن را به آهنگ غنا و نوحه و رهبانیت می خوانند. این خواندن از گلوگاه آنان در نمی گذرد. قلوب آنان و قلوب کسانی که ایشان را می پسندند واژگون است". (کلینی، همان، ۲/۶۱۴)

بحث برانگیزترین و پیچیده ترین واژه از لحاظ مفهوم مخصوصاً در میان فقها، واژه غناست. اما به دور از بحث های فقهی که از قدیم تا کنون جریان داشته، بررسی لغوی مستدل واژه غنا تا حد زیادی می تواند در فهم روایت راه گشا باشد.

از قدیم الایام در میان اقوام سامی، این واژه به معنای آوازه، سرود و سرود روحانی به کار می رفته است. (مشکور: ۱۳۷۵، ۶۱۳/۲؛ دهخدا: ۱۳۷۷، ۳۴۲/۲۱) خلیل بن احمد، این کلمه را در حالت مقصور (غنی)، بی نیاز در مال و در حالت ممدود (غناء) بر صوت اطلاق می کند. (فراهیدی، همان، ۴/۴۵۰) لغت شناسان دیگر نزدیک به همین مضمون را ذکر کرده اند. (جوهری: ۶، ۱۴۰۷/۲۴۵۰؛ فیومی: ۱۴۱۴، ۲/۴۵۵) عده ای نیز قیودی بر آن افزوده اند و غنا را صدایی می دانند که طرب انگیز باشد. (فیروزآبادی: بی تا، ۴/۳۷۲) طریحی، نیز در تعریفی از واژه غنا، چنین می گوید: "غنا صوتی است که مشتمل بر ترجیع مطرب باشد یا چیزی که در عرف غنا نامیده می شود. هر چند مطرب نباشد، چه در شعر باشد، چه در قرآن باشد و چه در غیر آن" (طریحی، همان، ۱/۳۲۱) صاحب التحقیق، هم اصل واژه را برگرفته از غنا عربی و به معنای ترنم و آواز خوانی، دانسته است و در توجیه مناسبت آن با اصل کلمه که بیان گریبی نیازی است عنوان می دارد که غالباً بی نیازی، انسان را به تجاوز، طغیان و رفع صوت و ادار می سازد. (مصطفوی: ۱۳۶۰، ۷/۲۵۷)

بیشترین اختلاف میان فقها و شارحان حدیث، پیرامون واژه لحن است. هر کدام از ایشان با مذهب اعتقادی و جهت گیری مذهبی و تخصص علمی خویش در جهت توجیه آن، برآمده اند. برخی بر این باورند که منظور از لحن عرب که پیامبر ﷺ توصیه به قرائت متناسب با آن نموده اند، عبارتست از برخی قواعد لهجه ای در زبان عرب هم چون اماله و تفخیم... (دانی: ۱۴۲۸، ۷/۲۵۷؛ سخاوی: ۱۴۱۸، ۱/۲۹۴) طبق این برداشت پیامبر ﷺ، جهت سهولت در تلفظ کلمات قرآن، به مسلمانان اذن داده اند که با یکی از لهجه های عرب و اصول حاکم بر آن مانند: اماله، تفخیم و... به قرائت کلام الهی بپردازند. این نظر از جهاتی قابل نقد است:

اولاً: تعبیر بیان شده از لحن با معنای لغوی واژه هم خوانی ندارد و همان گونه که در بحث لغوی گذشت، این واژه در اغلب موارد بار آوایی و آهنگین را به همراه دارد. ثانیاً: به فرض این که لحن را به معنای لهجه های عرب، تفسیر کنیم. ادامه حدیث با قسمت آغازین آن ناهماهنگ است و مفهوم صحیحی از لهجه های اهل فسق یا لهجه های اهل کتاب، برداشت نمی شود. ثالثاً: عدم تلاوت قرآن با اماله و یا تفخیم و امثال آن مستوجب نکوهش شدید بیان شده در انتهای حدیث نیست و نمی توان پذیرفت مثلاً کسی که قرآن را با اماله و یا خلاف آن نخوانده، مشمول توبیخ شدید انتهای روایت، گردد.

عده ای نیز لحن را به معنای لغت گرفته اند. (مازندرانی: ۱۳۸۲، ۱۱/۳۹) ایشان هم چنین منظور از لغت عرب را تلفظ حروف از مخارج و رعایت قواعد تجویدی دانسته اند و منظور از اصوات عرب

را نوعی خواندن قرآن شبیه خواندن عرب‌ها می‌دانند. (میرلوحی: ۱۳۷۴، ۱/۲۴۳) مولف اعلام الاحباء، در قسمت دوم روایت لحن را به معنای خوانندگی و غنا گرفته است؛ یعنی این که روایت می‌گوید بر حذر باشید که به طریق اهل فسق و یهود و نصاری خوانندگی کنید. (همان) نقدهایی بر این نظر وارد است از جمله:

الف: حمل "لحن" در قسمت اول روایت بر "لغت عرب" و حمل آن در قسمت بعدی روایت بر "خوانندگی و غنا" بدون دلیل و مخالف سیاق روایت و ساختار واحد آن است.

ب: تفسیری که از واژه "اصوات عرب" ارائه شده معادل همان "لحن" است که با بیانی دیگر توسط مولف عنوان شده است و خواندن قرآن به گونه ای که شبیه عرب‌ها باشد جز با رعایت نکات تجویدی و تلفظ حروف صحیح آن، امکان پذیر نیست.

ج: انطباق "لحن" بر "لغت"، نوعی تکلف محسوب می‌شود؛ زیرا در اغلب کتب لغت کهن و معتبر، این واژه به معنای آهنگ و ویژگی‌های مربوط به صوت می‌باشد.

د: بسیاری از کسانی که در زمان صدور، اهل فسق و خواننده غیر مجاز بوده اند نیز به زبان عربی فصیح تکلم می‌کرده اند و در این مورد با دیگر مسلمانان و قراء، اشتراک داشته اند.

سومین نظری که به نظر نگارنده، انطباق بیشتری با لغت، تاریخ، بافت روایت و بسیاری از روایات دیگر دارد؛ به کار بردن لحن، به معنای "آهنگ و نوا و آوا" است که پیامبر اکرم (ص)، با شرایطی آن را به مسلمانان و قاریان قرآن، توصیه نموده‌اند. ابن اثیر، پس از بیان معانی مختلف لغت "لحن"، حدیث مزبور را نقل نموده و لحن را در آن به معنای آهنگ و خوانندگی و زیبایی قرائت، دانسته است. (ابن اثیر: ۱۳۹۹، ۴/۲۴۲؛ ابن اثیر: بی تا، ۲/۴۵۹)

منای، نیز در شرحی که بر جامع الصغیر سیوطی نوشته، لحن عرب را آهنگ‌هایی می‌داند که حروف به وسیله‌ی آنها ضایع نشده و از مخرج خود مختل نشوند. وی، الحان پسندیده را باعث افزایش انبساط روحی و جذب قلوب قسی و موجب برداشته شدن حجاب چشم، هنگام تلاوت قرآن، می‌داند. (منای: ۱۴۱۵، ۲/۸۳)

از دیرباز در میان فقهای شیعه، بحث فراوانی در جریان بوده است که آیا قرائت قرآن با الحان و اصوات نیکو مشمول غنا می‌شود یا خیر؟ عده ای هرگونه استفاده از آهنگ و ترجیع صوت را در تلاوت و غیر آن مردود و حرام شمرده و عده ای دیگر به مباح بودن و استحباب آن حکم داده اند (عاملی: ۱۴۱۸، ۲/۲۴۳)

اما بررسی سیره معصومین و اصحاب رسول خدا ﷺ و تأمل در بسیاری از روایات وارده، این نکته

را روشن می سازد که هرگاه تلاوت قرآن با زدودن حواشی مذموم آن همراه باشد، نه تنها مباح بلکه مستحب و توصیۀ ائمه علیهم السلام، می باشد.

در پایان این بخش، سخن یکی از فقها در این زمینه راه گشاست. ایشان در این زمینه می گوید: «هر صوت حسنی که با آلات لهو یا صوت زنی که مرد بشنود یا شهوت انگیز باشد و نفس بهیمی را به حرکت در آورد، یا کلام کذب و لاطائلی باشد؛ مسلماً غنا و حرام است و هر صوت حسنی که مقابل این باشد در اکثر احادیث مسمی به صوت حسن است نه [مسمما] به غنا و مباح است، بلکه در قرآن و ذکر مستحب است» (دارابی: ۱۳۷۴، ۲۹/۱)

شیخ علی عاملی نیز در مقاله "تنبیه الغافلین" صرف ترجیع را در حرمت [غنا] کافی نمی داند و درباره استفاده از آن در قرائت قرآن می گوید: "اگر در خواندن قرآن غنا حرام باشد در غیر قرآن به طریق اولی حرام است. البته این حرمت با حسن ترجیع و رعایت الحان عرب و حزن و نغمه در قرائت قرآن منافات ندارد." (عاملی: ۱، ۶۳/۱۳۷۴)

بررسی واژگان کلیدی روایت مورد بحث نشان گر آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدد تاکید بر نوع خاصی از تلاوت و قرائت قرآن کریم هستند که دارای چارچوب آهنگین خاص و منحصر به خود است. از سوی دیگر با بیان حالات منفی و غیرقابل پذیرش قرائت با منع از به-کارگیری الحان یهود و نصاری، الحان اهل فسق و نواهای زنان شوی از دست داده و آوای راهبان گوشه گیر، مسلمانان را به سوی قرائت و تلاوت مطلوب سوق داده اند. بررسی های تاریخی موسیقی عصر نزول قرآن، این حقیقت را روشن می سازد که در میان گونه های مختلف آهنگ و موسیقی اعراب، یهود و نصاری، مولفه هایی وجود دارد که با الفاظ، کلمات و اهداف بلند کلام الهی، سازگاری ندارد و رسول خدا صلی الله علیه و آله در صدد منع مسلمانان از این نوع قرائت ها بوده اند. از جمله مواردی که مسلمانان از آن برحذر شده اند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قرائت کلام الهی به همراه نواختن آلات موسیقی
- اصل قرار گرفتن آهنگ و موسیقی به جای کلمات به گونه ای که به تبعیت از آهنگ کششی در برخی حروف و حرکات ایجاد گردد و کلمه را از شکل اصلی خود خارج نماید.
- به کارگیری آهنگ های مبتذل و مناسب با مجالس لهو و لعب، آن گونه که معمولاً دختران خواننده در مجالس گوناگون برای تحریک احساسات و شهوات مخاطبان استفاده می نمایند.
- استفاده از نغمات ثابت و تکراری؛ زیرا قرآن کریم مشتمل بر آیات مختلف از وعده و وعید، انذار و بشیر و... است و القاء مفهوم صحیح آنها نیازمند به آوا و بیانی متفاوت از دیگری دارد.

۴. بازتاب به‌کارگیری الحان پسندیده، در پرتو آیات و اقوال بزرگان

از صدر اسلام تاکنون یکی از جلوه‌های تاثیرگذار بر مخاطبان، استفاده از الحان و نوای خوش در تلاوت قرآن کریم، بوده است و بدیهی می‌نماید که اسلام نیز از این هنر اثربخش با زدودن پیرایه‌های منفی آن بهره‌جسته و رسوخی وصف ناشدنی بر جان هرکس که به آن روی نموده، برجای گذاشته است. قرآن کریم، آثار یک تلاوت صحیح را این‌گونه بیان می‌کند:

۴-۱. ایجاد خشوع و ازدیاد ایمان در مخاطب

شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی، که قرآن برای يك تلاوت صحیح برمی‌شمارد، ایجاد خشوع و تپیدن قلب از خوف خدا، در مخاطب دانست. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال/ ۲) مؤمنان، کسانی هستند که چون نام خدا برده شود خوف بر دل‌هایشان چیره‌گردد و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود ایمانشان افزون‌گردد و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

استاد جوادی آملی، درباره‌ی تاثیر آوا در انتقال کلام، می‌فرماید: "آدم وقتی مطالعه می‌کند؛ سند معتبر، گوینده معتبر، کتاب معتبر [در نتیجه] متأثر می‌شود یا ممکن است نمی، از چشمش در موقع مطالعه بیاید، اما وقتی يك مداح با آهنگ خوب این را می‌خواند، آدم نمی‌تواند خودش را کنترل کند. علم که نمی‌گریاند بلکه آن آهنگ است که می‌گریاند. آن آهنگ با اراده کار دارد، با عقل عملی کار دارد." (جوادی آملی، جلسه اول تفسیر سوره مبارکه مومنون، سایت اسراء: ۱۳۹۰/۲/۴) و در جای دیگر می‌فرماید: "آن دستگاه اراده را يك سلسله امور هنری اداره می‌کند. آن مسئله دانش نیست..." (همان)

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ: آنان، چون [نام] خدا یاد شود، دل‌هایشان خشیت یابد. (همان) علامه جعفری نیز کار موسیقی و نوا را تحریک و تهییج نفس درباره آن واقعیاتی می‌داند که انسان در، درون خود دارا می‌باشد. (جعفری: ۱۳۸۷، ۳۲)

در آیه (انفال/ ۳۲) نیز ایجاد خوف ممدوح و ترس ستودنی در مقابل عظمت خداوند، از آثار يك تلاوت صحیح، شمرده شده است.

خدا، زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعده و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد. این است هدایت خدا، هرکه را بخواهد، به آن راه نماید، و هرکه را خدا گمراه کند او را راهبری نیست. لرزش آغازینی که ابتدا وجود مستمع را فرامی‌گیرد، اطمینان و نرمی

دل را در ادامه برایش به دنبال خواهد داشت. نکته‌ی قابل توجه دیگری که از این آیه به دست می‌آید این است که تلاوت صحیح حتی در ظاهر بدن مستمع نیز تأثیرگذار است؛ (تَلِيْنُ جُلُوْدُهُمْ). رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات و مواضع گوناگون، بر عنصر تأثیرگذار تلاوت و لحن تأکید کرده اند؛ از جمله می‌فرمایند: "این لحن‌ها و آهنگ‌ها خوب است؛ این‌ها چیزهایی است که قرآن را در گوش و دل شیرین می‌کند و در نفوذ قرآن، تأثیر می‌گذارد". (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸) باید به این مهم اشاره کرد که تأثیر يك تلاوت صحیح فقط بر مخاطب نیست، بلکه قرائتی تأثیرگذار خواهد بود که خود قاری، پیش از مستمع، حالات و احوال گفته شده را دارا باشد. از پیامبر اکرم ﷺ سوال شد که: "مَنْ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؟" چه کسی بهترین صوت را در تلاوت قرآن دارا است؟ حضرت پاسخ دادند: "مَنْ إِذَا سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ عِزَّ وَجَلٍ؟" کسی که وقتی قرائت او را می‌شنوی، می‌بینی که گویا برای خداوند عزوجل خاشع و خاضع شده است. (هیثمی: ۱۴۰۸، ۱۷۰)

۴-۲. جاری شدن اشک و به سجده افتادن

از دیگر اثرات تلاوت نیکو، جاری شدن اشک و به سجده افتادن در برابر ذات ربوبی است. آیاتی از قرآن کریم که به این موضوع اشاره دارند، عبارتند از: إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا. (اسراء/۱۰۷)؛ بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان، به روی درمی‌افتند. وَ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا. (اسراء/۱۰۹) و بر روی زمین می‌افتند و می‌گیرند و بر فروتنی آنها می‌افزاید.

در تفاسیر آمده است که پیامبر ﷺ، عمر بن امیه الضمری را با قرآنی، نزد نجاشی، پادشاه حبشه فرستاد. پس از آن که نجاشی، قرآن را دید، جعفر بن ابی طالب و همراهانش را به نزد خود دعوت کرد و گروهی از علمای مسیحی را نیز به آن مجلس دعوت نمود، سپس از جعفر خواست که قرآن بخواند. او نیز آیاتی از سوره‌ی مریم را برای جمع قرائت کرد. پس از شنیدن آیات الهی، اشک‌هایشان سرازیر شد و گفتند ما ایمان آوردیم. در سوره‌ی مائده آیه ۸۳، درباره‌ی این گروه آمده است. وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. چون آن چه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان

آورده‌ایم، پس ما را در زمره آنان که شاهدند و به چشم خود می‌بینند، بنویس. با توجه به این آیه‌ی شریفه، علمای مسیحی، زمانی که آیات الهی بر آنها تلاوت شد، گریستند و اقرار به ایمان، نمودند. که از این میان گریستن، حکایت از تسلیم شدن و خضوع و خشوع آنها دارد.

۴-۳. ایجاد آرامش و طمأنینه در قلب

قرآن کریم، در این زمینه می‌فرماید: **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**. (رعد/۲۸)؛ آگاه باش! که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

از مصادیق بارز ذکر، خود قرآن است. در نتیجه باید توجه داشت که اگر تلاوتی از قرآن برای انسان آرامش و اطمینان قلبی به ارمغان آورد، صحیح و اصولی است. در غیر این صورت به هدف خود نائل نگشته است. بسیار دیده شده که تلاوتی ایجاد هیجان کاذب و ناآرامی درونی به مستمع داده است که خود نشان‌گر آن است که از حقیقت خود، فاصله گرفته است.



نتیجه‌گیری

- اهل بیت علیهم‌السلام، خود از چهره‌های شاخص خوش‌خوانی و تغنی قرآن، بوده‌اند و به بهترین وجه از این هنر بی‌بدیل در جذب مخاطب بهره‌جسته‌اند.
- درباره‌ی جایگاه شرعی تغنی در تلاوت قرآن، دو دیدگاه کلی وجود دارد و اغلب مواردی که حکم به حرمت آن شده است زمانی است که با پیرایه‌های مذموم همراه باشد.
- در آیات و روایات گوناگون، اثرات قابل توجهی برای تلاوت صحیح برشمرده شده است که از جمله آن می‌توان به ازدیاد ایمان و خشوع، اشاره نمود.

فهرست مراجع

- ۱- ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ بی تا، *جامع الاصول فی احادیث الرسول*، ج ۲، نشر مکتبه الحلوانی.
- ۲- _____: ۱۳۹۹، *النهایه فی غریب الحدیث والاثار*، ج ۴، بیروت: نشر مکتبه العلمیه.
- ۳- ابن اسحاق، محمد؛ ۱۳۹۸، *سیره ابن اسحاق*، ج ۱، تحقیق: زکار سهیل، بیروت، دارالفکر.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۴۱۴ق، *اعتقادات الامامیه*، نشرکنگره شیخ مفید، چاپ دوم.
- ۵- ابن جزری، محمد بن محمد؛ ۱۳۵۱، *غایة النهایه فی طبقات القراء*، ج ۱، نشر مکتبه ابن تیمیة.
- ۶- ابن عساکر، علی بن حسن؛ ۱۴۱۵، *تاریخ دمشق*، ج ۴، نشر دارالفکر.
- ۷- ابن فارس، احمد؛ ۱۴۰۴، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، قم: مرکز النشر.
- ۸- اصفهانی، ابوالفرج؛ ۱۹۹۲، *الاغانی*، اشراف: محمد ابوالفضل ابراهیم، الهیئه المصریه العامه.
- ۹- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ ۱۴۲۲، *المسند الصحیح*، ج ۵ و ۹، دمشق: نشر دار طوق النجاه.
- ۱۰- بیهقی، احمد بن حسین؛ ۱۴۱۰، *شعب الایمان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۱- جعفری، محمد تقی؛ ۱۳۸۷، *موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی*، نشر آثار علامه جعفری.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر سوره مبارکه مومنون*، جلسه اول، سایت اسرا (www.esra.ir)، ۱۳۹۰/۲/۴.
- ۱۳- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ ۱۴۰۷، *صحاح*، ج ۶، چ چهارم، بیروت، نشر دارالعلم.
- ۱۴- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ ۱۴۱۱، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- ۱۵- حرعاملی، محمد بن حسن؛ ۱۴۱۴، *هدایه الامه الی احکام الائمه علیهم السلام*، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- ۱۶- خامنه ای، سید علی؛ ۱۳۸۸، *در دیدار سالانه با قاریان قرآن*، www.khamenei.ir.
- ۱۷- خمینی، روح الله؛ ۱۳۷۹، *تحریر الوسیله*، ج ۱، قم: دارالعلم.
- ۱۸- خویی، ابوالقاسم؛ بی تا، *مناهج الصالحین*، ج ۲، قم: مدینه العلم.
- ۱۹- دارابی، محمد بن محمد؛ ۱۳۷۴، "مقامات السالکین"، تحقیق: سید جعفر نبوی، قم: نشر مرصاد.
- ۲۰- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، ۱۴۱۲، *سنن الدارمی*، ج ۴، عربستان سعودی: نشر دارالمغنی للنشر و التوزیع.
- ۲۱- دانی، عثمان بن سعید؛ ۱۴۲۸، *جامع البیان فی القرائات السبع*، امارات: جامعه الشارقه.



- ۲۲- دهخدا، علی اکبر؛ ۱۳۷۷، *لغت نامه*، ج ۲۱، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۲۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد؛ ۱۴۱۳، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام*، ج ۳ و ۱، بیروت: نشر دارالکتب العربی .
- ۲۴- _____؛ ۱۴۱۷، *معرفة القراء الکبار*، نشر دارالکتب العلمیه .
- ۲۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ ۱۴۱۲، *المفردات فی غریب القرآن*، نشر دارالعلم الدار الشامیه .
- ۲۶- سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن؛ ۱۴۱۸، *رساله فی تحریم الغناء*، قم: نشر مرصاد .
- ۲۷- سخاوی، علی بن محمد؛ ۱۴۱۸، *جمال القراء و کمال الاقراء*، دمشق: دارالمامون للتراث دمشق .
- ۲۸- سعدی، محمد جواد؛ ۱۳۹۴، "ترجیع در قرائت از منظر روایات، فقیهان و عالمان قرائت"، مجموعه مقالات و سخنرانی های شورای عالی قرآن .
- ۲۹- شوقی ضیف؛ بی تا، *تاریخ الادب العربی*، ج ۲، قاهره: دارالمعارف قاهره .
- ۳۰- شهیدی، سید جعفر؛ ۱۳۷۴، *زندگانی علی بن الحسین*، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
- ۳۱- طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۶۰، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ترجمه: مترجمان، تهران، انتشارات قراهنی .
- ۳۲- _____؛ ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، ج ۴، انتشارات دانشگاه .
- ۳۳- طریحی، فخر الدین بن محمد؛ ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، ج ۱ و ۴، تهران: ناشر مرتضوی .
- ۳۴- عاملی، جعفر مرتضی؛ ۱۴۱۳، *حقایق هامه حول القرآن الکریم*، بیروت: دارالصفوه .
- ۳۵- عاملی، علی؛ ۱۳۷۴، "تنبیہ الغافلین تذکیر العاقلین"، تحقیق: حسن شفیعی، قم: مرصاد .
- ۳۶- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ ۱۴۱۹، *العین*، ج ۱ و ۴، قم: انتشارات هجرت .
- ۳۷- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب؛ بی تا، *القاموس المحیط*، ج ۴، بی تا .
- ۳۸- فیومی، احمد بن محمد؛ ۱۴۱۴، *مصباح المنیر*، ج ۲، چاپ دوم، قم: نشر دارالهجره .
- ۳۹- قرطبی، محمد بن احمد؛ ۱۴۱۲، *الجامع الاحکام القرآن*، ج ۱، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی .
- ۴۰- کحاله، عمر رضا؛ ۱۳۷۹، *اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام*، ج ۱، دمشق: نشر مطبعه الهاشمیه .
- ۴۱- کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۳۶۹، *اصول کافی*، ج ۲، مترجم و شارح: هاشم رسولی / جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة .

- ۴۲- لبيب سعيد؛ ۱۹۷۰م، *التغنى بالقرآن*، نشر الهيئة المصرية العامة .
- ۴۳- مازندرانی، موسی محمد صالح؛ ۱۳۸۲، *شرح الكافي*، ج ۱۱، تهران: نشر دارالمکتبه الاسلاميه .
- ۴۴- مجلسی، محمد باقر؛ ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، ج ۸۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی .
- ۴۵- محیسن، محمد محمد؛ ۱۴۱۲، *معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ*، ج ۱، بیروت: نشر دار الجیل .
- ۴۶- مروزی، محمد بن نصر؛ ۱۴۰۸، *مختصر قیام اللیل و قیام رمضان و کتاب الوتر*، پاکستان: نشر حدیث آکادمی فیصل آباد .
- ۴۷- مشکور، محمد جواد؛ ۱۳۷۵، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی*، ج ۲، نشر بنیاد فرهنگ ایران .
- ۴۸- مصطفوی، حسن؛ ۱۳۶۰، *التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم*، ج ۷، تهران: نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب .
- ۴۹- معرفت، محمد هادی؛ ۱۴۳۵، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: موسسه النشر الاسلامی .
- ۵۰- مناوی، محمد بن عبدالرئوف؛ ۱۴۱۵، *فیض القدییر*، ج ۲، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه .
- ۵۱- میرلوحی عاملی، سید هادی بن سید محمد؛ ۱۳۷۴، *اعلام الاحباء*، قم: نشر مرصاد .
- ۵۲- نیشابوری خرگوشی، عبدالملک بن محمد بن ابراهیم؛ ۱۴۲۴، *شرف المصطفی*، مکه: دارالبشایر الاسلامیه .
- ۵۳- هیشمی، علی بن ابی بکر؛ ۱۴۰۸، *مجمع الزوائد*، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه .

